

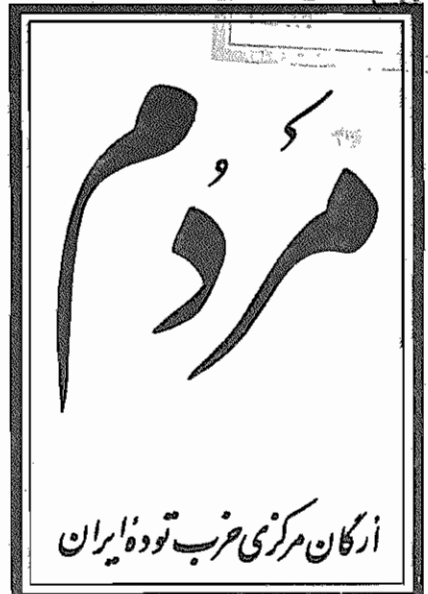
MARDOM
 NO. ۱
 ۸۹

تبلیغات ضد ایرانی امپریالیسم

امریکا را خنثی کنیم باز هم امریکا! امریکا!

در این روزها شبکه عظیم تبلیغاتی امپریالیسم امریکایی اندر کار است تا با تفکر عمومی چنین وانمود کند که «یک مشت توریست» ریخته اند و سفارت آمریکا را تصرف کرده اند و گروهی «دیپلمات و کارمند بیگانه» را بگروگان گرفته اند و در برابر آزادی آنها میخواهند «انسان بیماری» را تحویل بگیرند.

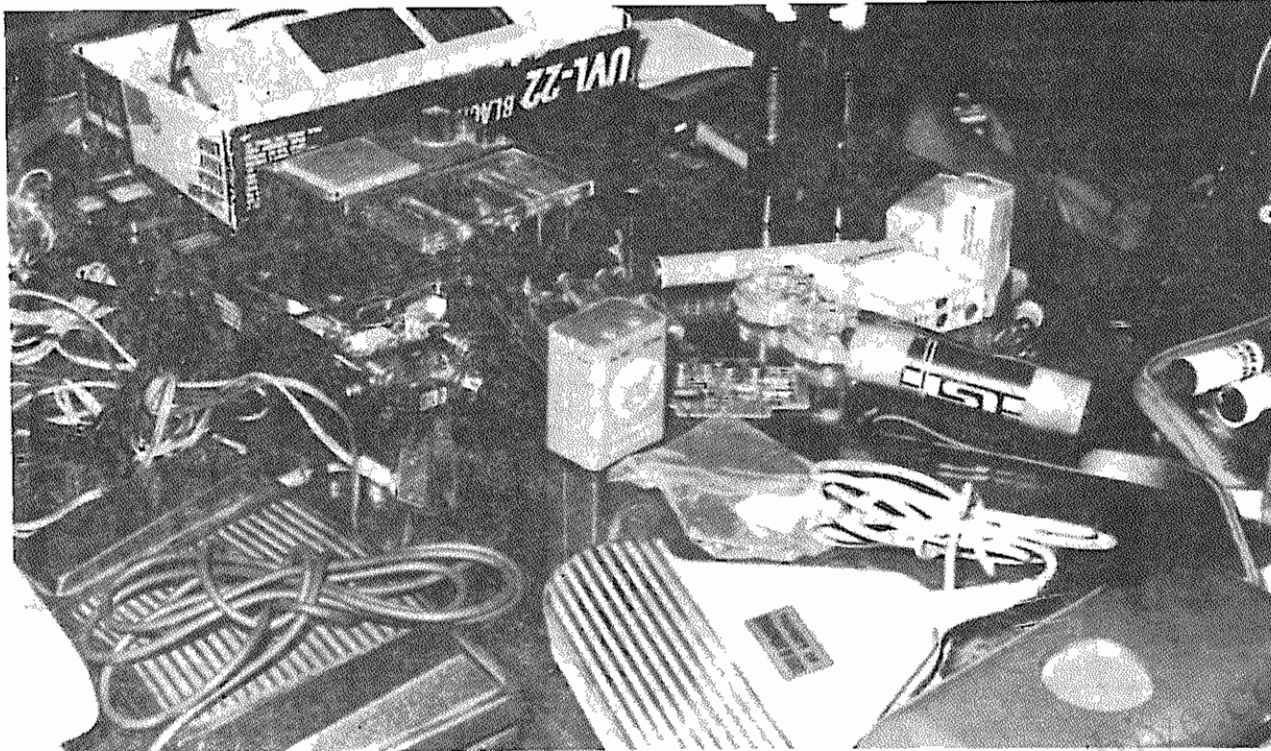
ولی چه کسی امپریالیسم آمریکا، این کانکتر بین المللی را که هر دلارش آخته بشود بی-کناهان قارت شده در چهار سوی جهان است، نمیشناسد و کدام دستای از این جهان پهناور است که مردانش در خون غلطیده و در آتش سوخته باشند و دست این کانکتر بین المللی آتش از روز و خونریز در کار نبوده باشد؛ چه کسی نمیداند که محمد رضا پهلوی «انسان بیماری» نیست، جنایتکاری حرفه ای، دزدی آدمکش، جاتور بقیه در صفحه ۶



دوره هفتم، سال اول، شماره ۸۹
 یکشنبه ۲۰ آبان ۱۳۵۸ - تک شماره ۱۰۱۰ ریال

مردم شیراز در تظاهرات وسیع
 ضد امریکائی، شعار میدادند:
 نه سازش، نه تسلیم
 نبرد با امپریالیسم

یک هفته از اشغال لانه جاسوسی آمریکا میگذرد و مردم همچنان آن را در محاصره دارند.



گوشه ای از دستگاههای پیچیده لانه جاسوسی آمریکا، که از آنها علیه مردم و انقلاب ایران استفاده میشد

بقیه در صفحه ۲

چرا دولت آقای بازرگان مجبور به استعفا شد

استعفا، و در واقع سقوط دولت موقت آقای بازرگان، واقعه بزرگی در جریان انقلاب است. مطبوعات، احزاب و محافل سیاسی و نیز خود آقای بازرگان، هر یک از دیدگاه خود بشرح علل واقعه پرداخته اند. شناخت علل واقعه، بخاطر تجربه آموزی بود گسترش و تعمیق انقلاب و تسامین پیروزی نهایی آن ضرور است. ما نظر خود را در این باره بیان میداریم:

سقوط دولت موقت بازرگان، شکست سیاست معینی است. این سیاست، ولو با حسن نیت و صداقت آقای بازرگان دنبال میشد، سیاستی نام آهنگ و حسی در زمینه هائی

استعفا، و در واقع سقوط دولت موقت آقای بازرگان، واقعه بزرگی در جریان انقلاب است. مطبوعات، احزاب و محافل سیاسی و نیز خود آقای بازرگان، هر یک از دیدگاه خود بشرح علل واقعه پرداخته اند. شناخت علل واقعه، بخاطر تجربه آموزی بود گسترش و تعمیق انقلاب و تسامین پیروزی نهایی آن ضرور است. ما نظر خود را در این باره بیان میداریم:

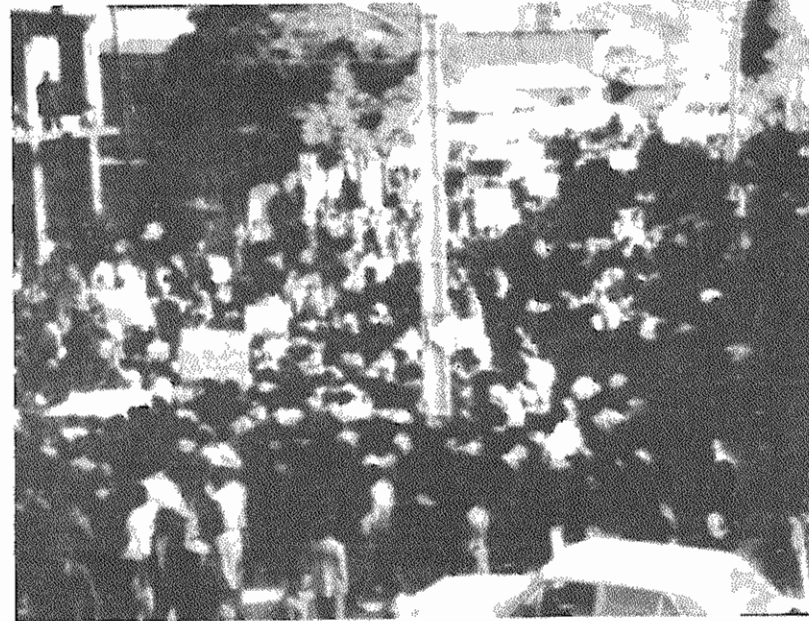
سقوط دولت موقت بازرگان، شکست سیاست معینی است. این سیاست، ولو با حسن نیت و صداقت آقای بازرگان دنبال میشد، سیاستی نام آهنگ و حسی در زمینه هائی

استعفا، و در واقع سقوط دولت موقت آقای بازرگان، واقعه بزرگی در جریان انقلاب است. مطبوعات، احزاب و محافل سیاسی و نیز خود آقای بازرگان، هر یک از دیدگاه خود بشرح علل واقعه پرداخته اند. شناخت علل واقعه، بخاطر تجربه آموزی بود گسترش و تعمیق انقلاب و تسامین پیروزی نهایی آن ضرور است. ما نظر خود را در این باره بیان میداریم:

سقوط دولت موقت بازرگان، شکست سیاست معینی است. این سیاست، ولو با حسن نیت و صداقت آقای بازرگان دنبال میشد، سیاستی نام آهنگ و حسی در زمینه هائی

مردم ایران آرزو مند پذیر و زی مذاکرات کردستان اند

در آغاز درگیری جنگهای کردستان، حزب توده ایران با جاسارتی انقلابی، ناشی از تحلیل علمی وضع موجود و احساس مسئولیت در برابر منافع انقلاب بزرگ مردم ایران، اعلام نمود که مسئله کردستان تنها یک راه حل دارد و آنهم راه حل مسالمت آمیز مبتنی بر رفع ستم ملی از خلق کرد است. و امروز شاهد این واقعیت هستیم که شعار فوق به شمار تقریباً همگانی مبدل گردیده است و این مایه خرسندی و مباهات حزب توده ای ماست. اینک باراهنمائی رهبر روشن بین و انسان دوست انقلاب ایران، امام خمینی، هیئت ویژه و نمایندگان خلق کرد به مذاکره پرداخته اند و برای حل السانی مسئله کردستان در تلاشند و ما کامیابی این تلاشها را از تصمیم قلب خواهانیم.



صحنه ای از تظاهرات ضد امریکائی مردم مهاباد در روز ۶ آبان ۱۳۵۸ در پشتیبانی از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام.

در صفحات بعد:

سخنی با هشتادار
 به چریک های
 فدائی خلق

چرا جای شما در جشن ضد
 امپریالیستی مردم خالی است

صفحه ۳

آفرین! راه حل مسائل
 کشاورزی همین ابست...

صفحه ۶

یاسر عرفات: پیروزی سوسیالیسم در اتحاد شوروی
 پیروزی ملت فلسطین نیز هست

صفحه ۶

مورخان آموزش و پرورش، تاریخ معاصر ایران
 را جعل کرده اند

صفحه ۳

جهان سرمایه داری با بدبینی و جهان سوسیالیسم
 با خوش بینی به استقبال آینده میروند

صفحه ۳

انجمن بین المللی حقوقدانان دمکرات، سیاست
 تجاویزی و توسعه طلبانه رهبری پکن را محکوم
 می کند

صفحه ۳

هر اسم یاد بود

افسران شهید

توده ای در تبریز

در ارتباط با شعار حزب توده ایران در مورد حل مسئله کردستان، که دیگر مورد قبول تقریباً همگانست، ضمناً سوالات زیادی مطرح میشود. برخیزیم و بخواهیم درباره شمار توضیح بیشتری داده شود و برخی دیگر نگرانیها را مطرح میسازند.

شمار حزب توده ایران از دو بخش ترکیب یافته است، «راه حل مسالمت آمیز» و «مبتنی بر رفع ستم ملی از خلق کرد». معنای این شمار آنست که حل مسئله کردستان از راه نظامی و از طریق ادامه ستم ملی بر خلق کرد ممکن نیست. چرا!

اولاً - بدلیل اینکه مسئله کردستان مسئله نظامی نیست، بلکه مسئله خلقی است که حقوق مشروع خود را می خواهد و بایست حقوق چون نان و آب و هوا نیازمند است. باین ترتیب و سلاحی بقیه در صفحه ۲

مردم شیراز: نه سازش، نه تسلیم، نبرد با امپریالیسم



انبوه مردم تهران همچنان لانه جاسوسی آمریکا را در محاصره دارند

یک هفته از اشغال جاسوسخانه امپریالیسم آمریکا در ایران میگذرد.

هفته پیش، در چنین ساعتی، فریاد مرگ بر آمریکا، خشم توفنده خلق ما را به گوش جهان رساند و ساعتی بعد، دانشجویانی که «خط امام» را برگزیده‌اند، لانه جاسوسی آمریکا در تهران را اشغال کردند. در یک هفته‌ای که از اشغال لانه جاسوسی میگذرد، انقلاب دوم ایران که از اولی بزرگتر است، به سمت خاک ایران، پشیمانی خلق را جلب کرده است. باردیگر، بعد از تفرقه و تشتت چند ماهه که خدا انقلاب همه نیروی خود را در گروی همه گیر شدن آن گذاشته بود، نیروی «خط امام»، که همه ایرانیان انقلابی، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی هستند، مشت واحدی شدند که یوزنه خونین امپریالیسم و در رأس آن امپریالیسم آمریکا را هدف گرفته است.

یک هفته است که ایران، چسبون شیراز، در شمارا و سرودها و ضربکوب راه پیمایان علیه خونخوارترین دشمن خود، که امپریالیسم غارتگر و جنایت پیشه یانکی است، میخورد. رسانه‌های گروهی چون زمان سرنگونی شاه مخلوع، در دریائی از پیام‌های همبستگی خلق غرق شده‌اند. از دفتر کثرت‌پرهانی تا ثانوی خاشی، از کارکنان پارتیزان تا برزگر سیستانی، از زانه‌نشین خراسانی تا کورنشین بوشهری، «با دانشجویان مسلمان پور و خط امام» اعلام همبستگی می‌کنند و نفرت خود را تارام امپریالیسم آمریکا می‌نمایند.

در لانه جاسوسی آمریکا، آنچه از انبوه اسناد خرد شده و سوزانده شده باقی مانده، یک بسته یک افشا می‌شود. سال پیش، در چنین روزی، از داخل این لانه جاسوسی، فرمان کشتار مردم صادر میشد و اسامی دوربین تلویزیون زوایای آن را به مردم نشان میداد و ملت فرمان ایران به همان می‌بند که جاسوسان آمریکائی، در طول خاک ایران، برای غارت و کشتار او، چه تالیسمات عظمی برپا کرده بودند.

در شماره دیروز «مردم» گزارشی را از مشهد خواندید، که در آن فریاد خشم مردم علیه آمریکائیکس بود.

در شماره امروز «مردم» گزارش زیر را، که خبندگان «مردم» از شیراز برای ما فرستاده‌اند، می‌خوانید:

تظاهرات ضد آمریکائی در شیراز

ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه ۱۴ آبان، تظاهراتی به حمایت از اشغال جاسوسخانه آمریکا بوسیله دانشجویان مسلمان پیر و خط امام و پاسداران انقلاب اسلامی ایران، از جانب دانشجویان مسلمان دانشگاه شیراز با حمایت دیگر نیروهای مترقی انجام شد. دانشجویان با شعارهای مترقی و ضد امپریالیستی از دانشگاه ادبیات و دانشگاه شیراز برآه افتادند و بزبان گفتار از خیابان قرآن، چهارراه زند و سپس فلکه ستاد به محل کنسولگری آمریکا در شیراز در خیابان ارم رسیدند و در آنجا اجتماع نمودند.

شماره‌های زیر در طی راه پیمائی، که با استقبال وسیع مردم روبرو شد، از طرف شرکت کنندگان در تظاهرات داده میشد.

- سفارت آمریکا، لانه ضد خلقی است.
- سفارت آمریکا، این لانه جاسوسان، تعطیل باید گردد.
- آمریکا، آمریکا، مرگ به نیرنگ تو
- آمریکا آمریکا، دشمن مکار ما
- خمینی، خمینی، رهبر یکتای ما
- نه سازش، نه تسلیم.

نبرد با امپریالیسم محل کنسولگری آمریکا، قبل از ورود دانشجویان، به تصرف پاسداران انقلاب و گروهی از دانشجویان درآمد.

در جلوس کنسولگری چند بار پرچم آمریکا سوزانده شد. روز بعد هم در تاپید عمل اشغال سفارت دولت امپریالیستی آمریکا و تصرف در آوردن این لانه جاسوسی، سرده شیطین، توسط دانشجویان مسلمان پیر و خط رهبر انقلاب امام خمینی، از طرف انجمن دانشجویان و دانش آموزان مسلمان وابسته به جنبش ملی مجاهدین، از ساعت دهم صبح یک راه پیمائی صورت گرفت. در پایان راه پیمائی قطعه نامه‌ای صادر شد که در آن تظاهر کنندگان

چرا دولت آقای بازرگان مجبور به استعفا شد؟

بقیه از صفحه ۱

ناشی از سیاست داخلی، دنیا به سیاست داخلی، زائیده موشکوبی بورژوازی لیبرال نسبت با اهداف خلقی انقلاب بود. بورژوازی لیبرال از روی غریزه طبقاتی، انقلاب را پس از سقوط رژیم استبداد سلطنتی تمام شده تلقی کرد و سعی داشت و سعی دارد که با کمک سنی دار کسبش آنرا در محدود و منافع تنگ طبقاتی خود متوقف سازد. دولت موقت آقای بازرگان، به توان نمانده این بورژوازی لیبرال، در راه تصرف مواضع اقتصادی بورژوازی وابسته و زمین‌داری وابسته قاطعیت بخرج نداد که عمل است، این وابستگی را امری تلقی کرد که ناگزیر باید تحمل کرد. از این دیدگاه، ضرورت پاکسازی دستگاه دولتی، دستگاهی که برای خدمت سرمایه‌داری و زمین‌داری وابسته تشکیل یافته است، نادیده گرفته شد. مجازات عوامل رژیم گذشته و انتقام جویی و تصفیه حساب، نامیده شد، که باید از آن احتراز کرد. از کسبش معادله واحدی تولیدی و اموال سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ مانند عمل آمد. نفوذ مغرب سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ وابسته ناحدود زیادی باقی ماند. هیچ‌ت‌بیر و اقدام قاطعی در راه تحریک تولید موسسات صنعتی بعمل

نیامد. در نتیجه بیکاری گسترش یافت، برخی از کالاهای کثیر المعرف دچار کمبود گشت، قیمت‌ها سرعت بالا رفت، و شوهرهای بزرگ اقتصادی - اجتماعی بوجود آمد.

این سیاست داخلی و خارجی، که با محتوا و اهداف خلقی ضد امپریالیستی انقلاب ناسازگار بود، موجب پیدایش دوگانگی قدرت حاکم شد، که خود رشد و تعمیق انقلاب را فلج کرد.

در نتیجه نفوذ عوامل سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ در دولت، سیاست دولت موقت نسبت به حل مسئله خودگردانی خلقهای ساکن ایران در کردستان، ترکمنستان و بلوچستان و غیره برآه خطا افتاد.

بجای ابراز حسن نیت در قبول آن درخواستهای خلقی کرد، که مبتنی بر حق و عدالت است، اعمال قهر نظامی بکار رفت که باعث شعله‌ور شدن آن شد. از این جهت، جریان ضد انقلاب حداکثر سوسه استفاده را برد و هنوز هم میبرد.

خلاصه خصیصه طبقاتی و نفع طبقاتی بورژوازی لیبرال، که با محتوا و اهداف خلقی و ضد امپریالیستی ناسازگار است و سازشکاری دولت هم در سیاست خارجیست با امپریالیسم و هر دو سیاست داخلی نسبت به قشر سرمایه‌

دولت، سیاست داخلی و اجتماعی، یعنی پایگاه اقتصادی و اجتماعی امپریالیسم در ایران متجلی شد. این سیاست سازشکارانه شکست خورد. شکست آن نشان میداد که انقلاب رهائی بخش ما قدرت آنرا دارد که با اهداف خلقی و ضد امپریالیستی که در پیش دارد، دست یابد. منبع این قدرت توده‌های میلیونی زحمتکشانند. اینک برای دسترسی به این اهداف باید به توده‌های میلیونی تکیه کرد. به قدرت عظیم انقلابی آنان اعتقاد داشت

به شمسای آنان، که بارها به مقیاس عظیم سراسر کشور، به عالیترین وجهی بروز کرده است، معتقد بود.

روشن ما نسبت به دولت موقت آقای بازرگان انتقاد سازنده بود، به این دلیل که ما ضمن شناخت خصیصه آشتی ناپذیر بورژوازی لیبرال، این واقعیت را در نظر گرفتیم که این قشر از سرمایه‌داری برخلاف قشر وابسته به امپریالیسم، در مرحله نخست انقلاب با آن همراهی کرد. ما در انتقاد سازنده خود به دولت موقت، صادق و بیکر بودیم. هر انتقادی را در تمام با راهنمایی، با ارائه پیشنهاد سازنده عرضه داشتیم. ما بقدر امکان خود کوشیدیم که دولت موقت پاران از چارچوب تنگ منافع بورژوازی

باز هم آمریکا! آمریکا!

ششده بودید و میدانستید که سفارت آمریکا در حقیقت یک لانه جاسوسی است. شاید هم تصور میکردید که این یک توفیق مبارانه - آهمن تبلیغاتی است. و یا اینکه حداکثر ممکن است در این سفارت بخش هم با مورجاسوسی اختصاص داشته باشد، که لایه عبادت است از اطالقی با مقداری پیرونده، حاوی گزارشهای جاسوسان «سیا» و السلام!

اما سرانجام فرارسید آن روزی که فرزندان خلق یرده‌های استتار را فروردینند و آنچه را نادیده بودید، عیان ساختند. در محوطه سفارت یک دستگاه آمبولانس فولکس واگن کشف شد که بر روی آن علامت سلیب سرخ نقش کرده بودند و در درون آن وسائل جاسوسی، تمقیب و استراق سمع تعبیه کرده بودند.

- و بعد دهها فرستنده و گیرنده بصورت دکمه لباس، یا سمک و یا سنجاق کراوات، عینک‌های مخصوص تمقیب و مراقبت، که با دستگاههای فرستنده و گیرنده مجهز بود. و نیز وسائل ردیاب آهن، انواع وسائل برای نوشتن خطهای نامریی و برای ظاهر کردن این نوع خطوط، دستگاههای انگشت‌نگاری و دستبندهای پلاستیکی.

- و بعد سلاحهای دفاعی، چاقوهای ضد گلوله، گلوله‌های ساچمه‌ای، گازهای سمی، گازهای اشک آور، تفک‌های متعدد و نارنجک‌های دستی!

و اینها همه در انتهای راهروئی در درون «گاو صندوقی» با قفل دوزخمانه، مکانیکی و الکترونیکی با دری قفلر بیست سانت، و بالای در دوربینی الکترونیک که بدیوار نصب شده است. اما آنچه در پشت این در پنهان است صندوق نیست. اطالقی است بزرگ و آهمن نه یک اطالق معمولی. گرداگرد آن قفسه بندی شده با طبقات کشتویی بالای یکی از قفسه‌ها تلویزیونی کوچک نصب شده است. تلویزیونی مدار بسته و در ارتباط با دوربینی که بالای در «گاو صندوق» قرار داشت برای کشتل بیرون آزدرون.

هر یک از کوشهای قفسه را که بیرون می‌کشیم، با یک دستگاه مجهز فرستنده یا گیرنده الکترونیک روبه‌رو میشویم و نیز با کامپووتر و تلکس.

و بدیوار نقشهای از ایران و نقاط مشخص شده بروی نقشه دایره‌های تودرتو، که مرکز همه آنها تهران است و بزرگترین دایره تمام خاک ایران را در بر گرفته است.

و در گوشه‌ای بشکلی آ تا نیمه در از لاشه‌های ریز ریز شده اسنادی که عیولانه معدوم گشته‌اند. دستگاهی مخصوص از بین بردن اسناد نواریهای کامپیوتری که حاوی اطلاعات گردآوری شده بوده‌اند و در گوشه‌ای، بازدر «گاو صندوقی» چشم میخورد با همان قفل‌های دوگانه و قفل در پیشین و در پس آن بازهم اطالقی که در آن بروی در اطالقی دیگری نوشته شده است، «خطر تشعشع» که در پشت در نه موتوری است نه دستگاه برقی. اما برآه اطالقی حسابی سفید و کتنبه‌گونه قرار گرفته که در زیر یک سیستم همافزوی معابر اتسی همیکروویو و منخی شده است.

و در گوشه‌ای باز بشکلی ای کوردستان صفحات آرد شده الکترونیک، بوسیله دستگاه مخصوصی که ظرف چند دقیقه صفحات الکترونیک را از بین می‌برد و گردی از آن بر جای می‌گذارد. و این در، این زرادخانه، این استودیوی مجهز و نیرومند معابر اتسی، اینها وسائل «دیپلماسی» آمریکا است!

و اینست سفارت آمریکا! لانه جا-وسان و دشمنان خلق ما و تمام خلقهای دربند جهان.

و با این آمریکا است که امام خمینی بدرستی می‌گوید: «ما روابط با آمریکا را میخوامیم چه کنیم؟»

مردم ایران آرزومند پیروزی مذاکرات کردستان اند

نمی‌توان کرد را وادار کرد که در بودن خود و زبان کردی و فرهنگ کردی را فراموش کند و احساس نکند که زیر بار محرومیتها، که بخش مهمی از آن محرومیت‌های ناشی از ستم ملی است، استخوانش خرد می‌شود.

تائیا - اسرار در راه حل نظامی بمعنای آنست که طرفدار این راه حل، خواهان یکی از دو نتیجه زیرین است: پاسرکوب شدن خلق کرد و یا نتیجه پنهان کردن آتش برآه خطی نا کتر از امروز در زیر خاکستر آژسوی و معرفی جمهوری اسلامی ایران بمشایبه سرکوب گر خلقها از سوی دیگر. روشن است که نه چنین آشتی زیر - خاکستری در منطقه شدیداً برآه خاور نزدیک و میانه، بسود امروز و آینده ایران و نه چنان معرفی سز اواد نام والای انقلاب ایرانست. و یا ناکامی نظامی جمهوری اسلامی ایران در کردستان و سالت نتیجه تصفیه جمهوری اسلامی ایران و دهمبری انقلاب، که یگانا محور مردمی است که همه نیروهای ایران و انقلابی ایران امروز بر اطراف آن گرد آمده‌اند و عمل می‌کنند. چنین تصفیهی بسود ضد انقلاب است و لذا خیانت عظیم با انقلاب خواهد بود. پس در حالیکه سرکوب خلق کرد، نه نامت جمهوری اسلامی ایران و نه تصفیه رهبری است، انقلاب هیچ‌چیز جایز و قابل قبول نیست. مسئله کردستان را جز راه مسالمت آمیز، از چهره معقول دیگری می‌توان حل کرد: راه حل مسالمت آمیز آن راهی است که درست بر عکس راه حل نظامی، اولاً پیروزی خلق کرد را درست یافتن به خواستههای مشروع خود تأمین خواهد کرد و تائیا با ارضای یک خلق ستمدیده این خلق را که روح بزرگ و همت و قهرمانی آن همیشه زینت بخش تاریخ بوده است، به پیشمرگ صاوق و فداکار انقلاب ایران مبدل خواهد کرد، یعنی هم خلق کرد و هم انقلاب ایران مرد خواهند بود.

ثالثاً - راه حل نظامی سبب آن میشود که در کردستان مرز میان انقلاب و ضد انقلاب کم شود و دوغ و دوشاب به هم قاطی گردد و خشک و تر با هم بسوزد. در این بازار آشفته، ضد انقلاب که هم وسیله و هم تیر به هم کارد و هم پول دارد، می‌تواند خود را در صفوف خلق جا دهد و وضعی را فراهم سازد که مسئله کردستان بمعنایی مبدل گردد و از این خاک ستمدیده، لبنانها و تلزعترها ایجاد کند. ما هم اکنون فاقد صحنه‌هایی هستیم که در حالیکه نیروهای سالم و واقعا انقلابی خلق کرد و شورای انقلاب از آتش بس و مذاکرات و خسانته دادن به جنگ برادر کشی استقبال می‌کنند و همگان با می‌میری منتظر نتیجه کارمیت ویژه هستند، نیروهای دیگری، از جوانب مختلف، در گریه - های بکلی تصنی و تصادمات بکلی نامفهوم ایجاد کرده‌اند که در جریان مذاکرات کردستان اخلال کنند. وجود این اخلالگران، که هیچ ربطی به خواسته‌های عادلانه خلق کرد ندارند، اشکال اضافه‌ایست که فقط در نتیجه برای انداختن «راه حل نظامی» بوجود آمده است و باید با قوت هر چه تمامتر تصرییح کرد که ادامه «راه حل نظامی» زمینه را برای پیدایش اینگونه اخلالگران مساعدت نخواهد ساخت و احیاناً مستقیمین علیه مستکبرین گام بردارد.

دومین شماره

قانون اساسی ایران باید بازتاب انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران باشد

سخنی با هشداری به چریکهای فدائی خلق و هواداران ایشان چرا جای شما در جشن ضد امپریالیستی مردم خالی است؟

در هلله و غریب هیجان انگیزی که سراسر ایران را فرا گرفته، جای یک صدای آشنا، یک غرش تأیید و تثبیت خالی است: چریکهای فدائی خلق... چهره‌ی داده‌است؟ به راستی چهره‌ی داده‌است که در این جشن بزرگ ضد امپریالیستی، بازوان شما در برابر مردم به جوش آمده‌ای که در گرداگرد سفارت‌خانه... سفارت نه، جاسوس‌خانه تسخیر شده آمریکا، به پایکوبی مشغول اند، حلقه نیست! چرا اذیت‌های ایزدگزارترین لحظه‌های اوج و پیروزی انقلاب، با خلقی که نامتان را از او گرفته‌اید و قاعدتاً باید در غم و شادی اش سهیم باشید، قهقهه نمی‌زنید؟

آیا این یک تصادف است؟ به نظر ما نه. این نمره ناگزیر یک سواست، شاید درست‌تر است بگویم، یک اشتباه است. این اشتباه و اصرار در درآمده آن‌هاست از میان توده‌ها قدم به قدم بیرون کشیده، و شما، که به گمان خود می‌خواهید دنیا لبرو توده‌ها باشید، علاء‌الدین را اقتدارید که بختیارها، لبرال‌های دو آتیشه، مائوئیست‌های ورشکسته، طرفداران دین‌پرور قانون اساسی و مشروطه سلطنتی، یعنی همین سینه‌چاکان پریها و دهگلان امروزه آزادی، در آن شمار میدارند. شما که بزم خود نمی‌خواهید جای پیشاهنگ توده‌ها را بدانید لبرو توده‌ها نشین کنید، در نهایت حسن نیت، ما که هنوز به آن اعتقاد داریم... اما به حکم راه‌روشن‌سای خود، دنیا لبرو جبهه‌های شدید که به هم چوچه جبهه مردم و انقلاب نیست. شما که نمی‌خواهید به مخال خود رهبری خرده بورژوازی ضد امپریالیست را در انقلاب به رسمیت بشناسید، در عمل آن آزادی سردر آوردید که برای ستیز با این خرده بورژوازی انقلابی، که انحصارطلبی عناصر و نیروهای آنرا به حساب احیای فاشیسم گذاشته بودید، روی محافظه کاران مذهبی و سیاسی حساب کنید، تا آنجا که ملط فداران شما با شوای کوس و کرنسا در نشر به فداان در راه فدائی، مبارزه با رهبری انقلاب را بتوانند همون عمده مرحله ملی انقلاب اعلام کردند و با این تئوری بافی و رمز زدی حملی و تهنی، امپریالیسم بورژوازی را با جبهه مبارزه امپریالیست، که عمده ترین دشمن و خطر آن است، به هم آمیختند. این نشان از آشکارا شدن...

یعنی وظیفه ضد امپریالیستی و استقلال طلبی، به انقلاب ملی و دمکراتیک ایران بود، اما این دوستان به لنگد مال کردن واقعیت غیبی قانع نشدند و با یک جور تئوری بافی ضد مارکسیستی، که بنام «مارکسیسم انقلابی» بخوردند، برای مبارزه با رهبری ضد امپریالیستی جنبش روی مهره‌های زنگ زده‌ای چون بختیار حساب کردند. بله، باور کردنی نیست، اما این عین جملات دوستان شامات،

«ما باید بدانیم که در مبارزه علیه انحصار طلبی مذهبی تهنیستیم. اینویسیون مرتجع ما نماند بختیار و با بطور کلی بختیاریم نیز وجود دارد...»
(راه فدائی، شماره یک، ص ۵۶)
از این واضح تر و عریض تر چه میخواهید؟ شما حتی اگر نامی این موضع گیری طرفداران متوافق نباشید، نمیتوانید متک این واقعیت شوید که این سیاست و روش خود شماست، به شما و عامل اینگونه سوءعقاید و انحراف از مسیر اصلی است. این مشر سیاسی و این چپ گرانی، که با اوقیامت عینی و زندگی و بفرنج جامعه و انقلاب در تقاد و زرافرونی است، این روشی که نهملم از حرکت تاریخی طبقه کارگر و طبقه زحمتکش، بلکه بیشتر ناشی از شور و ملطیان دهن گزائی است، علاء انشا مجسم ساخته است که در هر گوشه اش یک بخت و یک نوع سخن جریان دارد و هر دسته و گروهی یک سیاست و عقیده خاص را دنبال میکند. به نسیان شما که وظیفه متحد کردن طبقه کارگری و نگاه اتحاد دیگر طبقات و اقتدار خلقی و انقلابی را بر این محور، در برابر خود گذاشته بودید، حتی در حفظ وحدت خود موفق

کنیم و بین آزادیهای لیبرالی بسادموکراتیسم انقلابی، که ریشه‌های طبقاتی کاملاً متفاوتی دارند، مرز مشخص بکشیم، و ثانیاً در نظر آوریم که چه ملی انقلاب یا و طایف دمکراتیک آن، اگر چه پیوند و وحدت دارند، اما بهر حال یکی از این دو وجه نسبت به دیگری عمده است و بملاوه این دو وجه، در عین وحدت، از یکدیگر استقلال نسبی دارند.

بنابراین، نیروهای سیاسی با تکیه بیشتر بر جنبه عمده انقلاب است که باید وظایف مبرم سیاسی و تاکتیکی و استراتژی خود را تنظیم کنند. عمده بودن وجه ضد امپریالیستی انقلاب چیزی نیست که کشف آن به فوراً و تئوری‌های پیچیده احتیاج داشته باشد. این واقعیت حیاتی را از همان روز که توده‌ها با مشت‌های گره کرده، در میدان شاه نوبت آمریکاست، با ساده ترین کلمات که از یک چشم عمیق و یک تجربه توده‌ای آید میخورد دریافتند و زبان خاص خود نشان دادند. توده‌ها واقعاً پیشانی از بسیاری از رهبران و مدعیان پشاهانگی بودند و هستند. توده‌ها بهرستی امپریالیسم را به بنایه دشمن اصلی شناختند و این حلقه اصلی انقلاب ایران است، همان حلقه اصلی که لنین میگوید از میان انبوهی از مسائل و گرایشها و حوادث و مظالم گوناگون و فرعی باید آنرا یافت، تا بتوان در خط صحیح و سالم انقلاب پیش رفت. اگر این حلقه اصلی که شود، یا اشتباه تشخیص داده شود، همان نتیجه ضایع انگیزی بیار میآید که امروز برای دوستان فدائی بیار آمده است. شما می‌خواهید انقلاب را مشتعل تر و حرکت آنرا تعمیق کنید، امامعبار و قطب نمائی که برای خود انتخاب کرده‌اید، هدف اصلی را نشان نمیدهد و از اینرو نمیتوانید مردم را، که بدون آنها هیچ حرکت بی گیر عمیق و انقلابی قابل تصور نیست، در کنار خود داشته باشید. این کمود و ناگامی را با دامن زدن به هیجانانگیز، با انگولک کردن و سیخ زدن به مسائل بیارغامی ملی، با تشترق و اداه انداختن بی سر موضوعات فرعی و یا پیش از همه، نمی توان جبران کرد. هر کسی که خود را مارکسیست می‌خواند، باید بداند که نخستین شرط تشدید اقدامات توده‌ای عبارت از تعیین خطمی انقلابی بر پایه ارزیابی درست تناسب نیروهاست. این امر امکان میدهد که وظایف دوره کنونی انقلاب دقیق و مشخص شود، تضاد عمده معلوم گردد و در نتیجه هم دشمنان عمده و هم متحدان احتمالی طبقه کارگر، که در روند انقلابی به اتحاد میگردند، و هم قشرهایی را که میتوان خشنی کرد، تمیز داد. چنین خطمی بحکم محتوی انقلابی خود به خط توده‌ها مبدل می‌شود و آنها را با ایمان به اینکه راه برگزیده شده راه پیروزی است، به هر سه مبارزه هدایت می‌کند.

دوستان در بسیاری از ضرب المثل های عامیانه و مردمی حکمتی است که اصلیت خود را از تجربه مستم توده‌ها وام گرفته است. اینکه «دلجو بر سرد را زهر کجا بگیرد منفعت است» نسخه شفابخشی است که امروز بکار می‌آید اما قویان این، به اتهامات انقلابی اعتراف به خطانین آن در رابطه با موضوعی سیاسی و طبقاتی شناخته خود و امکان دفع داشته باشد، شما اگر نخواهید به این جبر ناگزیر کردن بگذارید، بهرانی را که اینک غیبت شما از جنب بزرگ ضد امپریالیستی مردم جلوه و نمونهای آنرا بر ملا می‌کند، عمیق تر و مصائب جنبش مردم را بیشتر خواهد کرد. شروژت انشا قویتر است. انقلاب از شما قویتر است، توده‌ها از شما قویترند. در پهره های دنیای ذهنی خود را بکشائید و بگویم شما خیا نها قدم بگذارید و با واقعیت، آنطور که هست، نه آنطور که شما می‌خواهید باشد، آشتی کنید. این سخن از سر بدخواهی است و فرست طبعی نیست، سخن یک نیک خواه واقعی است که میتواند یک رفیق باشد. این در عین حال هشداری است از سر ضرورت...

در این روزها، در جهان سرمایه‌داری، یک سالگرد نامیون در خاطر ما زنده شد. در اواخر اکتبر سال ۱۹۲۹، روزیکه بازار ارز و اوراق بهادار نیویورک ورشکستی خود را اعلام کرد، بحران تاریخی اقتصاد جهان سرمایه‌داری آغاز گردید. اما امروز هم، پس از گذشت فریب پنجسال، اقتصاد جهان سرمایه‌داری با همان بیماریهای دستگیر جهان، است. پدیده های بحرانی، تورم، نوسانات های ارز، با کود در تولید و بیگاری همچنان پایه این نظام بهره‌کشی را در تنزل شکافته اند. در این بخش جهان، بدبینی،

عدم اطمینان به فردا، نگرانی و اضطراب در برابر خطر بیگاری شدن، زندگی میلیونها نفر از زحمتکش را مسوم میکند. در ضمن این روز یاد آور رویداد برجسته دیگری هم بود، درست در همان روزیکه بحران اقتصادی جهان سرمایه‌داری آغاز شده بود؛ نخستین هواپیمای ساخت اولین کشور سوسیالیستی جهان، بنام «هوانی» کشور شوراهای، در نیویورک زمین نشست. امروز تصویر این هواپیما بر بقایای با پیشرفتهای شکر ف علمی و فنی محق و ناچیز بنظر می‌رسد. اما این هواپیما نخستین،

انجمن بین المللی حقوق دانان دمکرات سیاست تجاوزی و توسعه طلبانه رهبری پکن را محکوم میکند

اجرای اعزام داشته است. در همه این جنایات رهبری چین مستقیماً شرکت داشته و از آن حمایت کرده است.

از جانب انجمن بین المللی حقوق دانان دمکرات هشتی بمنظور اطلاع یافتن از عواقب تجاوز چین به ویتنام و جنایات رژیم دست‌شانده چین در کامبوجیا از این دو کشور دیدن کرد این هیئت از حقوق دانان ایالتا، لهستان، اسپانیا متحده آمریکا، فرانسه و ژاپن ترکیب یافته بود. در گزارش این هیئت آمده است که متضرر اصلی اوضاع متشنج در منطقه جنوب خاوری آسیا چین است، زیرا رهبری چین نسبت به کشورهای مستقل همچوار خود در این منطقه سیاست تجاوز و توسعه طلبی را اعمال میکند و علیه این کشورها با اقدامات تحریک آمیز و توطئه دست می‌زند.

رهبری چین که رژیم آدمکش پلوتوکراسی را در کامبوجیا بر سر کار آورده بود و از آن حمایت میکرد، در تمام جنایات این رژیم که میلیونها نفر از اهالی کشور را بنهنگ خون کشیده و از خانه و کفالت خود آواره ساخته است، شریک و هم‌دست است. رهبری پکن امروز هم که خلق کامبوجیا در بر انداختن رژیم ضد خلقی و تبهکار پلوت و پیروز گشته، اذدارو دست وی حمایت میکند و آنها را با تسلیحات و تجهیزات نظامی تقویت نمیدهد.

گزارش هیئت نمایندگان انجمن بین المللی حقوق دانان دمکرات بعنوان یک سند رسمی در سازمان ملل متحد انتشار یافت. این گزارش با ردیکر ماهیت سیاست تجاوز گرانه و توسعه طلبانه رهبری مائوئیستی چین را افشاء میکند. در اجرای و سبای مائوئیه دون، با تجاوز جنایت آمیز به جمهوری سوسیالیستی ویتنام تلاش کرد این نقشه سلطه جویانه را تحقق بخشد. گروه جنایتکار پلوتوکراسی طبقه عینی نقشه، با حمایت پکن، در کامبوجیا زمام امور را بدست آورد و رژیم خون آشام خود را بر خلق کامبوجیا تحمیل

کرد. رهبری پکن رژیم پلوتوکراسی کامبوجیا را به یک «تجاوز و تجاوز گرانه» توطئه و تحریک علیه کشورهای این منطقه و در درجه اول جمهوری سوسیالیستی ویتنام تبدیل کرده بود. زمانیکه این رژیم خونخوار بدست مردم کامبوجیا، با برخورداری از پشتیبانی و همبستگی برادرانه جمهوری سوسیالیستی ویتنام سرنگون گردید، پکن مستقیماً به جمهوری دمکراتیک ویتنام تجاوز کرد.

در گزارش هیئت نمایندگانی انجمن بین المللی حقوق دانان دمکرات خاطر نشان شده است که تجاوز و توسعه طلبانه چین ویتنام تلفات جان و خسارت مالی فراوانی برای مردم ویتنام بار آورده است. اکثر بناهای مدارس، بیمارستانها، باشگاههای فرهنگی و بسیاری از خانه های مسکونی، در شهرها تخریب و تاراج و واحدهای نظامی چین قرار گرفتند، به خاک یکسان گردیدند. رژیم پلوتوکراسی در کامبوجیا، که بوسیله مستشاران و کارشناسان چین اداره میشود، سه میلیون نفر از اهالی این کشور را ببادر بازداشتگاهها نابود کرده و بایرادگاههای کار

خوانندگان گرامی می‌توانند در خارج از کشور به آدرس‌های زیرین با «مردم» مکاتبه کنند:
باریس
Pigal Albert
B.P. 76 60
75001 Paris
ایتالیا
Shams
Via G. vincon, 44
Ostia (Roma)
Tel. 6614922 (TUDEH)
انگلیس
P.O. Box 141
London. E7OPE

نمایش اسلاید از تاریخچه جنبش کارگری تا انقلاب اکتبر
سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات، بمناسبت شصت و دومین سالروز انقلاب اکبر، نمایش اسلایدی از تاریخچه جنبش کارگری تا انقلاب اکبر، ترتیب داده است.
محل نمایش: آمفی تئاتر مرکزی دانشگاه صنعتی شریف، از ۱۵ آبان، از ساعت ۵ بعداز ظهر.
محل فروش لبطه، انتشارات لوح و دفتر دانشجویان دمکرات

نمایش اسلاید از تاریخچه جنبش کارگری تا انقلاب اکتبر
سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات، بمناسبت شصت و دومین سالروز انقلاب اکبر، نمایش اسلایدی از تاریخچه جنبش کارگری تا انقلاب اکبر، ترتیب داده است.
محل نمایش: آمفی تئاتر مرکزی دانشگاه صنعتی شریف، از ۱۵ آبان، از ساعت ۵ بعداز ظهر.
محل فروش لبطه، انتشارات لوح و دفتر دانشجویان دمکرات

شاید توده‌ای و آخرین پیامهای آنان، برای ما بزرگو کرده است. اومیوسد: در ۱۸ بهمن ماه ۱۳۳۳ یادداشت ششم در روز ۱۹ بهمن ماه به سلول شماره ۲۱۳ زهری انتقال یافته و پس از دوروز بیخوابی و ناراحتی در آن جای تنگ و مرطوب، که کف آن گنجایش ۲ موزائیک و نصف راداست، زندانی شدم. سلول تنگی بود که ارتفاع و گنجایش اندکی داشت و دیوارهایش تماماً مرطوب بود. ناگهان نوشته‌ای و خطی که بر روی دیوار نقش بسته بود، نظرم را جلب کرد که بعدها دانستم آنرا بانخن روی دیوار نوشته‌اند این نوشته چنین بود: «هموطن عزیز، من سرگرد و کیلی عضو سازمان نظامی حزب پراختار توده ایران هستم و در دادگاه تجدیدنظر نظامی محکوم به اعدام شده‌ام و تا چند روز دیگر تیرباران خواهم شد. شاید همین فردا، من از مرگ هرگز نمی‌ترسم، زیرا در راهی قدم گذاشته‌ام که آن راه رهائی زحمتکش است. من به آرمان، به حزب پراختار توده ایران ایمان دارم. بدینجهت است که مرگ را استقبال می‌کنم. زنده باد حزب پراختار توده ایران، حزب کارگران و دستفندگان و زحمتکش». درجای دیگر کویا افسر جوانی که نابودی برداختم و در دروازه زیاد می‌برد.

مردم و مردم
بخش وسیعی را اشغال میکنند. آنها همچنین توجه دوستداران مطالعه آثار مارکسیستی را به ترجمه‌های بسیار نادروستی که بویژه از «آنتی دورینگ» «مناشه خانواده دولت»، «انتشارات شبانگه»، نظرم را راجع به این کتاب جویا شده است. اومیوسد که صادقاً این کتاب را با متن انگلیسی آن، که بوسیله «انتشارات پرولتری» ترجمه و چاپ شده است، مقایسه کرده و به نتایج بسیار تأثر انگیزی دست یافته‌است. مترجم بایی توجیبی و بی ملاحظگی خاصی، کتاب را به میل خود متله کرده و در سراسر کتاب اغلاط فاحش و فحیح بسیاری بچشم‌بخورد. نامه دوست ما، «دایره» ترجمه و انتشارات حزب توده ایران، داده شد و رقتا تأیید کردند که این ترجمه بی مغلوطنی و مغشوش تر از آنستکه بتوان اصولاً از مفید بودن کتاب سخن گفت. آنها همچنین گفتند که موعود خود از بیانی معسول و قبیحانه از کلیه ترجمه‌های موجود متون کلاسیک مارکسیستی بمل خواهند آورد و نظرم خود را درباره آنها اعلام خواهند کرد. رقتا افزودند که نمونه فوق‌الذکر بیچوجه استناد نیست، بلکه ترجمه‌های مغلوطنی و مغشوش از کلاسیکهای مارکسیسم لنینیسم در میان کتب موجود

• دوستی که نامه خود را «دوستدار حزب» سبیده امضاء کرده است، ضمن طرح انتقاداتی در مورد ترجمه کتاب «ادبیات حزب» ترجمه «سبیدی سپهر»، منتشره از طرف «انتشارات شبانگه»، نظرم را راجع به این کتاب جویا شده است. اومیوسد که صادقاً این کتاب را با متن انگلیسی آن، که بوسیله «انتشارات پرولتری» ترجمه و چاپ شده است، مقایسه کرده و به نتایج بسیار تأثر انگیزی دست یافته‌است. مترجم بایی توجیبی و بی ملاحظگی خاصی، کتاب را به میل خود متله کرده و در سراسر کتاب اغلاط فاحش و فحیح بسیاری بچشم‌بخورد. نامه دوست ما، «دایره» ترجمه و انتشارات حزب توده ایران، داده شد و رقتا تأیید کردند که این ترجمه بی مغلوطنی و مغشوش تر از آنستکه بتوان اصولاً از مفید بودن کتاب سخن گفت. آنها همچنین گفتند که موعود خود از بیانی معسول و قبیحانه از کلیه ترجمه‌های موجود متون کلاسیک مارکسیستی بمل خواهند آورد و نظرم خود را درباره آنها اعلام خواهند کرد. رقتا افزودند که نمونه فوق‌الذکر بیچوجه استناد نیست، بلکه ترجمه‌های مغلوطنی و مغشوش از کلاسیکهای مارکسیسم لنینیسم در میان کتب موجود

آیا ۲۵ سال مغرضانه سخن گفتن کافی نیست؟

مورخان آموزش و پرورش تاریخ معاصر ایران را جعل کرده اند

پاکسازی کتابهای درسی از فرهنگ فاسد آریامهری، از آغاز افسال مورد توجه جدی قرار گرفت. کسانی، که هنوز هیچکس از هویت آنها مطلع نشده است، مامور شدند تا بدقت سراسر کتابهای درسی را سیم پاشی کنند و محتوای کتابها را در جهت انقلاب و مردم ایران تغییر بدهند. این کسان در مقدمه کتابها مأموریت خویش را به این ترتیب بیان کرده اند:

«ما که کتابهای شما را فراهم میکنیم، کوشیده ایم، تا آنجا که ممکن بوده است، پلیدی را از کتابهای شما پاک کنیم و چیزهایی سزاوار شکوه انقلاب و بزرگی روح شما در آن بنویسیم.»

همین کسان ناشناس، درباره آنچه به عنوان پاکسازی کتابهای درسی انجام داده اند، نوشته اند: «برای سال تحصیلی ۵۹-۱۳۵۸، تا آنجا که امکانات اجازه میداد، تغییراتی در متن کتابهای درسی داده شد، بعضی از آنها تغییر کلی یافته و یا از نو تألیف شدند. در سایر کتابهای درسی اصلاحاتی ضروری بعمل آمد، که به علت ضیق وقت انجام آن در متن کتابها ميسر نگردد.»

هر کس وقتی این مقدمات دلنشین را میخواند، انتظار دارد که «پاک کردن» کتابها از پلیدی و «اصلاحات ضروری» بمعنای زدودن فرهنگ مسموم آریامهری و پاک کردن کتابهای درسی از تحریفات و دروغهای ضرب شده در دستگاه تبلیغاتی ساوا باشد.

این انتظار وقتی بیشتر میشود که صحبت از پاکسازی تاریخ در کتابهای درسی باشد. تاریخی که یکسره ساخته و پرداخته ایدئولوژیهای «خدایگان آریامهری» است. تاریخی که بر همه مبارزات مردم، بویژه در نیم قرن گذشته، خسب بطلان کشیده، چهره تابناک قهرمانان ملی را به لجن آلوده و تنها متعش عظمت شاهنشاهان و شاه پرستی ذاتی و تاریخی ایرانیان است.

خواننده انتظار دارد. کسانی که مأموریت خطیر پاکسازی کتابهای درسی به آنها محول شده، تا برای ده میلیون دانش آموز ایرانی، برای اولین بار واقفیت تاریخی را بیان کنند، به راستی این عمل مهم را انجام دهند. خواننده انتظار دارد، این «کسان» تاریخ معاصر ایران را، آنچنانکه بود، برای نسل نوین ایران بنویسند.

این تاریخ از روزی که میرزاشاه کرمانی ها، طالب او را و دیگران ندای آزادیخواهی سرداندند با خون خلق نقش شده است. این تاریخ یکسوی ستم شاهان و فئودالها و سرمایه داران است و جانب دیگرش مبارزه بیامان توده های خلق، در جبهه متحد خلق هم عظیمی از مبارزه را مسار کسبها بردوش داشته اند. آنها با حیدر عموافلی کمونیست همراه مسلمانان انقلابی دستگیر شدند و هنوز هم میمانند. از این هم عظیم، بخش عمده آن یک نام جاودان و پرافتخار دارد: حزب توده ایران!

کسانی که مامور پاکسازی کتابها شده اند، باید تاریخ معاصر ایران را بر این زمینه بنویسند، باید بدون حب و بغض، همه رزمندگان راه خلق را از ستار و باقر تا قاضی الاسلام و فرخی و ارانی، از ملت المکتلمین و روزبه و مصدق تا رضایی، پویان و سپاهک... را به نسل نوین ایران بشناسند. آنها همچنین وظیفه دارند، نبردهای مترقی اجتماع ایران، از جمله حزب توده ایران را، آنچنان که هست، و نه آنچنان که امپریالیسم و ارتجاع میخواست و میخواهد، به جوانان معاصر نشان دهند. آری، هر ایرانی وطن دوستی این انتظارات را دارد. اما، کسانی که کتابهای درسی را به اصطلاح پاکسازی کرده اند، یکسره از پیراهه رفته اند. آنها، خواسته و ناخواسته، تاریخ معاصر و بویژه بخش مربوط به حزب توده ایران را آنچنان نگاشته اند که امپریالیسم و ارتجاع میخواهد. این کسان در این عرصه چنان تاخته اند که روی تاریخ نویسان آریامهری را سفید کرده اند.

ما در زیر، ضمن مقایسه چند مورد از تاریخ وزارت آموزش و پرورش پس از انقلاب و وزارت آموزش و پرورش پیش از آن، بر اساس آنچه در کتاب «محیط شناسی» بانکچه سر تاریخ ایران، برای سال سوم دبیرستان آمده، این تاریخ نویسی مغرضانه را افشاء میکنیم.

تاریخ شاهنشاهی، ۱۸ صفحه خود به اوضاع ایران از شهریور ۱۳۲۰ تا مرداد ۱۳۳۲ اختصاص داده است. تاریخ آموزش و پرورش در این صفحات را به ۷ صفحه کاهش داده است. «تاریخ شاهنشاهی» در دوره مذکور به ترتیب اختصاص دارد به ۱- تعریف از شاه خائن ۲- دشنام به نهضت ملی ایران به رهبری دکتر مصدق. ۳- چند خط پاره درباره حزب توده ایران (جمعا ۲۰ خط در ۱۸ صفحه) تاریخ اختراع آموزش و پرورش

ماموران «پاکسازی کتابهای درسی»، در کتاب تاریخ سال سوم دبیرستان رندانه از شاه مخلوع دفاع کرده اند.

۴- حزب توده ایران چگونه ایجاد شد؟

تاریخ نویسان آموزش و پرورش بعد از انقلاب ایران، بعد از جعل در باره جنگ دوم جهانی و قیام خلق آذربایجان، به سراغ جنبش کمونیستی ایران می آیند و آن را باین ترتیب معرفی میکنند: «حرکت کمونیستی به خاطر آشنایی با فرهنگ اروپای شرقی و اقتباس آن و مخصوصاً نزدیکی با شوروی و سیاست تجاوزطلبی آن...» (ص ۱۶۸-۱۳۵۸)

اگر توجه کنیم که این سطور بلافاصله، یعنی ۳ خط بعد از اظهار نظر بیسلا درباره ایجاد کشورهای سوسیالیستی و تخلیه ایران توسط اتحاد شوروی نوشته میشود، درمی یابیم که تاریخ نویسان محترم چگونه درباره ایجاد حرکت کمونیستی ایران به دانش آموزان، آموزش می دهند و چگونه سیاست اتحاد شوروی را، که پس از اشغال بخش عظیمی از سرزمینش توسط نازی ها، با دادن بیست میلیون شهید، دشمن را از خاک خود بیرون کرده، تجاوزطلب می دانند! این آقایان حتی اگر تاریخ ویتنام را بنویسند، این کشور را در خاطر مبارزه تاریخی اش با امپریالیسم آمریکا تجاوزکار خواهند خواند!

۵- مخالفت حزب توده ایران با شاه خائن «جرم» است!

تاریخ نویسان آموزش و پرورش بازم به «پاکسازی» تاریخ ادامه میدهند و در این راه متأسفانه کارشان به دفاع از شاه خائن نمیکند. خواننده فراموش نکند که سطور زیرین از تاریخ طاقوئی نقل نمیشود، اینها عین جملات کتاب درسی «پاکسازی شده» (۱) آموزش و پرورش بعد از انقلاب ایران است.

«تا همین ۲۷، که در آن از جانب یکی از افراد حزب توده به محمد رضا پهلوی سوغند می شود، آزادی نسبی ای وجود دارد و از این تاریخ به این سبب که حزب آذربایجان کمتر همی بهنده داشت و خلاصه به مخالفتش و سوءنیتش شکی نبود، این حزب غیر قانونی میشود و هر دو که اختناق رسانند و آغاز شود.» (ص ۱۶۸-۱۳۵۸)

۳- دفاع از دولت شاه مخلوع در برابر قیام خلق آذربایجان

تاریخ نویسان آموزش و پرورش به تعریف تاریخ، دفاع از دولت شاه مخلوع در قبال قیام خلق آذربایجان ادامه می دهند. آنها قیام خلق آذربایجان را علیه شاه خائن، یک سوءتوطئه شوروی میدانند، تخلیه ایران را از قوای شوروی با قیام خلق آذربایجان در هم می آمیزند و رندانه از «قوای دولت ایران» دفاع میکنند. «عوامل این حزب به سرکردگی پیشه وری در مرداد ۱۳۲۲ عمارات دولتی تبریز، مرکز استان را اشغال میکنند و از طرفی نیروهای شوروی مستقر در ایران سر بازان ایرانی را بر سر پاخانه ها زیر کنترل گرفته و مانع ورود و خروج آنان میشوند و حتی قوای دولت ایران را در فرزین متوقف میکنند.» (ص ۱۶۷-۱۳۵۸)

اخبار کارگری

کارخانه نساجی قائم شهر در شرف تعطیل است

بنا به گزارشهای رسیده، مواد اولیه کارخانه نساجی شماره ۱ قائم شهر در حال تمام شدن است و شرکتهای خارجی که با این کارخانه قرارداد بسته بودند، حاضر نیستند بر طبق شرایط قبلی به این کارخانه مواد بفرستند. در صورتی که مواد حاضر در کارخانه تمام شود، کارخانه با خطر تعطیل روبرو است. نه این باعث بیکاری حدود ۱۸۰۰ کارگر این کارخانه می شود.

کارگری را پس از دوازده شبت موجه از کار اخراج کرده اند

یکی از کارگران کوره آجر فشاری پاکا، نزدیک شهر آراز، با دو سال سابقه کار برای بستری کردن فرزند بیمارش دوازده روز کار حاضر نمی شود. بعد از مراجعت متوجه می شود که از کار اخراج شده و شخص دیگری که بنا به اظهار این کارگر از بستگان مسئولان کوره است، به جای او کماشته شده است. دفتر دارم او را فریب داده و کاغذی را به عنوان پاداش به امضای او می رساند، که بعداً متوجه می شود با امضای این کاغذ، تمام حقوق و مزایای ناشی از ۲ سال سابقه کار را از خود سلب کرده و از کار اخراج شده است.

راندگان آجر فشاری رحمان ستایش حق اولاد، حق مسکن و مرخصی با حقوق میخواستند

راندگان کوره آجر فشاری رحمان ستایش، که پیمانکار کارخانه سیمان است و سنگ و گچ این کارخانه را تهیه می کند، خواهان دریافت حق اولاد، حق مسکن و مرخصی با حقوق هستند. این کارگران موفق شده اند بعد از دوندگی های زیاد به کارفرما بقبولانند که باید با یکبارت کار در روزهای تعطیل، حقوق اضافی دریافت کنند. البته این کارگران هنوز حق اضافه کاری را برای روزهای تعطیل که معادل ۳۵٪ حقوق است، دریافت نمی کنند. کارگران به این تأخیر طولانی متراض بودند.

به کمیته مرکزی حزب توده ایران دوستان گرامی!

بنام «کمیته همبستگی با ایران در جمهوری فدرال آلمان» سی و هشتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران و نیز انتشار مجدد «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران را بشما تبریک میگویم. حزب توده ایران از بدو تأسیس تا امروز پیوسته با ثبات رساننده یک حزب رزمنده ضد امپریالیسم و قابل اعتماد است. حزب توده ایران برای رسیدن به آرمانهای والای دموکراسی، صلح و پیشرفت اجتماعی نبرد میکند و چه بسیارند اعضای شما که در این نبرد جان باختند. شهدای حزب شما در نبرد علیه رژیم بر-برمنش شاه، از بهترین فرزندان خلق ایران بودند. و امروز نیز حزب شما در کنار دیگر نیروهای ضد امپریالیسم، با خطر آینده انقلاب قهرمانانه، ضد امپریالیسمی و دموکراتیک خلق ایران و تعمیق این انقلاب، با ضد انقلاب و ارتجاع علیه تمام تشکلات، که میخواهد چرخ تاریخ را بقب بازگرداند، در نبرد است.

امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم امریکایی و رژیم عروسک دست آن، دشمن خونین مردم ایرانند. آنها با استفاده از هر وسیله ای از ترور، با یکوت و افرا گرفتن تا کوشش برای ایجاد تفرقه و برهم زدن اتحاد مردم ایران و پشتیبانی هدفمند از عناصر ضد انقلابی و ارتجاعی و تهدید به مداخله مستقیم نظامی میخواهند انقلاب ایران و تمام دستاوردهای بزرگ آن را نابود کنند. برای انجام این نقشه افسران تریک، نقش ویژه ای نیز به عهده امپریالیسم آلمان غربی نهاده شده است.

از اینرو ما پشتیبانی رزمنده و بی پایان خود را از شما و تمام سازمانها، نیروها و رزمندگان ضد امپریالیسم و دموکرات ایران اعلام میداریم. ما از این پس بیش از پیش افکار عمومی را از موفقیت های انقلاب، فداکاریهای مردم ایران و بهترین فرزندان این خلق، حزب توده ایران، مجاهدین خلق، اتحاد دموکراتیک مردم ایران، اتحادیه های کارگری و روحانیان مبارز و پیشرو ایران و ضد امپریالیستهای بی شمار دیگر آگاه خواهیم ساخت.

ما هم میگوییم: بله، حزب توده ایران با شاه خائن و دولت دست نشانده اش مخالف بود. این آیا «جرم» است؟ اگر مخالفت با شاه خائن جرم نیست، که نیست، این تاریخ نویسان محترم چه کسانی هستند که با آوردن جمله: «خلاصه به مخالفتش و سوءنیتش شکی نبود»، در واقع مخالفت با شاه خائن را «جرم» دانسته اند و مجازاتش را هم غیر قانونی کردن حزب توده ایران؟! از خواننده میخواهیم که اظهار نظر بالا را با نظر و تاریخ نویسان آریامهری مقایسه کند. «تاریخ شاهنشاهی» درباره با اصطلاح غیر قانونی کردن حزب توده ایران می نویسد:

«چون بموجب اعلام داشته سوغند ۱۵ بهمن توسط حزب توده طرح ریزی شده بود، لذا دولت حزب مزبور را منحل و غیر قانونی اعلام داشت.» (صفحه ۲۱۰-۱۳۵۷)

Table with 2 columns: 'کتاب تازه' (New Books) and 'مردم' (Mardam). It lists books like 'مسار کس، انگلس، و لنین' and 'در زندگی خصوصی' along with their authors and publishers.

مردم ما فریب انگلیسی ها را نمی خورند

مردم ما شرب المثلی دارند، که می گویند، «همه کارها زیر سر انگلیسی هاست». این مثل بازگویی یک تجربه دیرسال است. تجربه ای که در آن امپریالیسم غارتگر و حمله گری انگلیسی با چکمه های آخته به خون هزاران ایرانی، چون حیوان گرسنه ای فریاد می کشد و جان و ثروت ملت مس را طلب می کند.

این مثل عمیق که عینیت یک تجربه تاریخی در آن متبلور شده، ماهیت فریبکاری امپریالیسم انگلیسی را هم بیان می کند. امپریالیسمی که در جواری خشونت و برجمی خود به کهنه ترین سلاح های فریب و تیرنگ، مسلح و به قول مردم «آب زیر گاه» است.

را بخاطر می آوردند که از زمان صفویه در ایران رسوخ کرد و تا چند سال پس از شهریور ۲۰، امپریالیسم مسلط در ایران بود. در این مثل، غارت نفت، سرکوب و حشیا نه کارگران نفت، توطئه روی کار آوردن رضاخان، قتل و شکنجه مردم و سرکوب جنبش آزادیبخش ما، هر لحظه فریاد می زند. مردم ما، حتی یک لحظه هم فراموش نمی کنند که هر چند بند از غروب آفتاب در امپراطوری انگلیس، سرمایه داران این کشور، جای خود را به همپا لکسی های آمریکایی دادند، اما از همان نرفتند و تا سرنگونی رژیم شاه مخلوع

موزیانه دروغات ایران هم بود. در واقع وقتی سرگردی قتل و غارت خلقها به یانکیها رسید، انگلیسیها موزیانه به پشت پرده رفتند و درجه قدرت خود، آرام و بی صدا بغارت مردم ما توسطها علیه جنبش خلق ما ادامه دادند. درست به همین خاطر بود که در آستانه سرنگونی شاه مخلوع، دیوید اوزن، وزیر خارجه وقت انگلیس، صدایش در آمد و از شاه خائن پشتیبانی کرد. بعد از پیروزی انقلاب، انگلیس با همان روش موزیانه، خود را پشت پرده پنهان کرد و با تمام نیرو کوشید در حالیکه یاور اصلی آمریکا در توطئه علیه

می کند، دانشجویان معترض ایرانی را، که علیه بختیار خائن تظاهرات کرده اند، مشروب می کشد، دستگیر مینماید و بزندان می اندازد. وقتی در برابر این توطئه ها، رهبر انقلاب از مردم می خواهد که حملات خود را علیه آمریکا و انگلیس گسترش دهند و مملوونها نفر از مردم ما در تظاهرات خود فریاد می زنند،

- تنگ بر انگلیس!

حضرات انگلیسی برای فریب دادن مردم و فرار از خشم خند امپریالیستی خلق، موزیانه خود را «بی خبر» نشان مینهند.

پلیس انگلیس در جریان تظاهرات دخالت کرده است، (همان نامه) این دخالت که «طبیعتاً» یعنی بشا بر طبیعت سرمایه داران جهان انوار انگلیسی انجام گرفته، به این نتیجه رسیده، «پلیس لندن ۲۱ دانشجوی ایرانی را به اتهام سدمعرب دستگیر کرده» حالا چرا «سدمعرب کنندگان» فقط از مخالفان بختیار بوده اند و هیچکس از طاغوتی ها سد معرب نکرده، معلوم نیست!

امپریالیست های انگلیسی میخوانند با این حرفها مردم را فریب بدهند، اما با همه زرنگی شان کور خوانده اند. مردم ما ماهیت جنایتکار آنها را بدستی می شناسند و بزیر بار مراد و ستان آمریکایی شان باید گورشان را برای همیشه از ایران گم کنند.



مردم ایران آرزومند پیروزی مذاکرات کردستان اند

پایه ازمینه ۲
کردستان ما را این مانتد کردستان عراق به کالای خرید و فروش تبدیل خواهد کرد.

بدلایل فوق و دلایل دیگر، باید راه حل نظامی را در مسئله کردستان برای همیشه کنار گذاشت و در کمال فداکاری و مسمیمیت و صداقت در راه پیروزی مذاکرات کوشید.

و اما در مورد بخش دوم شمار حزب توده ایران، یعنی لزوم رفع ستم ملی از خلق کرد.

رهبران جنبش رها می بخش خلق کرد میگویند، «اگر با تپها ما را از ایران برانند، ما کردها از ایران جدا نخواهیم شده. در جای دیگری کردها گفته اند، «اگر دور ما خندق بکشند که از ایران جدا ایمان کنند، ما با چنگ و ناخن آن خندق را پر خواهیم کرد تا باز بایران بپیوندیم»

همه مردم ایران شاهد این واقعت بودند که در چند روز اخیر، به محض اینکه هیئت ویژه کار خود را آغاز کرد و نخستین پرسوهای صلح و برادری از تهران به پرواز درآمدند، درهها باد آن شهری که میلیون گرام کننده، آنرا چیزی همانند دیوان مرفی میگردند. موج عظیمی در افکار ایرانیکی و اتحاد با انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران و در پشتیبانی از امام خمینی برای افتاد، خلاصه باید با قاطعیت هر چه تاملتر سرگوم که انهام «تجزیه طلبی» که بکردها نسبت داده میشود، هم سر تا پا دروغ و هم عمیقاً ناجوانمردانه است. پایه این انهام یکاکیا پلیس، یعنی تحریک امپریالیسم و نوکران آنست و یازانیک جهات عمیق سیاسی سرچشمه میگرد.

خلق کرد فقط حق مشروع خود را، آنهم فقط در چارچوب تمامیت ارضی و وحدت و حاکمیت ایران میخواند و نه چیز دیگر. این حق مشروع هر قدر زودتر و جدی تر تأمین شود، بیشتر سود همه مردم ایران خواهد بود.

ناصر الدین شاه، شیخ عبدالله را سرکوب کرد. رضاشاه همه مراکز مقاومت کردستان را در هم کوبید، محمد رضا شاه، جنبش قاضی-محمد را در خون فرقت کرد. نتیجه چه شد؟ آن شاهان قلدر قدره بند پادشاهی لنت و نفرت پرورش از سینه بدر رفتند، ولی پیشمرک کرد، امروز همچنان تنگ بر دست، بروی سخره های از کوس در راه خواستهای انسانی خود میجنگد. جمهوری اسلامی ایران، که بنیاد خجسته اش بر روی انقلاب عظیم مردم ایران و بر خرابهای طاغوت نهاد شده، نمیتواند وارث سلامت، اصول و نهادهای آن مملوون تاریخ باشد.

جمهوری اسلامی ایران میتواند و باید به خواهیهای معقول این خلق قهرمان و معتقد به حق و در زمانه در راه حق لبیک بگوید.

و اما درباره نگرانیها.

مهمترین نگرانیها فعلاً نسبت به دوام ایرانزمین است. نخست اینکه، عده ای بحق نگران کارکنی و اخلاص ما مؤسسه ها و گروه های هستند که کردستان را آزمایشگاهی برای «تئوریهای» کج و معوج خود انگاشته اند.

تکلیف ما مؤسسه ها که در همکاری با امپریالیسم امریکایی عمل میکنند، روشن است.

اما آن گروه های دیگر باید بدانند که کردستان آزمایشگاه نیست و زون بوجه محروم و ستمدیده کردستان هم هر گوش آزمایشگاه نیستند.

آن گروه ها باید در «تئوریهای» خود جداً تجدید نظر کنند دست از سر این مردم بردارند و اگر تیت واقفاً انقلابی در دل دارند، دست در دست همه نیروهای انقلابی ایران بگذارند و تحت رهبری امام خمینی، در جبهه بزرگ خلق از انقلاب ایران و دستاوردهای آن دفاع کنند.

نگرانی دیگر تکرار حوادثی نظیر وقایع اخیر سردشت و اشویه است، که بدون هیچگونه دلیلی با ذمه زد خود نظامی روی داده، که این مسلماً با محیط مذاکره و مسالمت کمتر بن وجه مشابیهتی ندارد. این حوادث خونین عسار مجددی است به همت ویژنه و شورائی انقلاب که جلوی این تحریکات و درگیریهای نظامی خونین را بگیرند.

همه مردم ایران پیروزی مذاکرات کردستان را از مسیم قلب آرزو میکنند و بای صبری در انتظار خیر خواهند.

نابود باد جنگ برادر کشی!
پیروزی باد برادری و اتحاد!
نابود باد ستم ملی!

در مطبوعات کشور

تضاد اصلی بین خلق ما و امپریالیسم است

در شرایط کنونی مبین ما، یعنی پس از پیروزی قیام و سقوط رژیم، باید توجه کرد که تضاد اصلی در اینجا همچنان تضاد بین خلق و امپریالیسم است. چنین نیست که ما امپریالیسم را از زمینمان رانده و آن را ریشه کن کرده باشیم. امپریالیسم در ایران فقط به عقب نشینی نماند، که در رأس آن قربانی کردن رژیم دست نشاند خود و سگ زنجیری اش شاه خائن می باشد. اما نه ایران امید حیاتی خود را برای امپریالیسم از دست داده، و نه امپریالیستها از موقعیتهای، منافع و مطامع خود در ایران چشم پوشیده اند. بنابراین کاملاً روشن است که امپریالیسم به سرگردی آمریکا می کوشد تا موقعیتهای از دست رفته اش را در زمین ما دوباره به چنگ آورد و سلطه خود را مجدداً مثل سابق برقرار آورد. امپریالیسم مستحکمتر کند، نیروهای انقلابی باید توطئه ها و تاکتیکهای امپریالیسم را در این مسیر تشخیص داده و بطریق صحیح و اصولی با آن مقابله کرده، و استمرار و تداوم مبارزه ضد امپریالیستی خلق ما را تأمین کنند. تمام تضادهای فرعی نیز در این چهارچوب و در مسیر حل این تضاد اصلی است که روبه رو می شوند. والا مادامیکه سلطه امپریالیسم را از زمین خود تماماً ریشه کن نکرده، و به آزادی واقعی و تمام و کمال دست نیافته ایم، هیچ حل قاطعی برای تضادهای فرعی و منجمله مسأله ملیتها هم متصور نیست. و هرگونه پرداختن غیر اصولی به این تضادهای فرعی که تضاد اصلی و مسأله تمام خلق ایران فراموش شده، و یاتحت الشعاع قرار بگیرد، مآلاً به خود تبدیل شده، و مبارزه ضد امپریالیستی تمام خلق را مختل خواهد نمود. و مسلماً نتیجه آن بنفع ملیتهای ستم کشنده نیز نخواهد بود.

اتفاقاً امپریالیسم نیز همین را میخواند و حتماً توسط ایادی خود ویس مانده های سابق و عناصر و نیروهای واپس گرای وابسته سیمی می کند با دامن زدن و متفجر کردن تضادهای فرعی، انقلاب را از زمین

اقدام انقلابی تسخیر لانه جاسوسی امریکایی از پشتیبانی میلیونها مردم ایران و جهان برخوردار است

در پشت محسمه آزادی، مثل آن و کتاب قانون چه گرگ خونخواری پنهان است که مرگ و خون، اشک و فتر برای خلقهای جهان بارمغان میآورد.

متصرف کرده، و نیروهای خلقی را در مسیرهای انحرافی تحلیل ببرد. و در این میان منافع خود را بدربرده و بار خود را ببندد مسلماً اجرای این توطئه گاهی با مکانیسم های خیلی پیچیده ای صورت می گیرد، و نیروهای ترقیخواه و انقلابی باید هوشتار باشند که در دام آن نیفتند.

(مجاهد - ۱۴ آبان)

خلق ما جنایات آمریکا را از یاد نبرده

سفارت آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو امام اشغال گردید. و این اشغال جدی ترین اخطار به امریکاست. و این بدین معناست که کین انقلابی خلق ما بر علیه امپریالیستها نه در حال فروختن، بلکه در حال اوج گرفتن است. و تا وقتی که این

کین در اوج باشد، خلق ما تا قطع هرگونه وابستگی به امپریالیستها در ابعاد اقتصادی و فرهنگی و سیاسی آن به پیش خواهد تاخت. دولت مردان آمریکایی و انگلیسی به غلط اندیشیده اند که این آتش مقدس خاموش شدنی است و آنها بر اساس این پندار غلط هم هست که تمام توطئه های خویش را سامان می دهند.

گویا کارت و اعوان و انصار او چنین پنداشتند که خلق ما جنایات مستقیم آمریکا را در ایران از یاد برده است و از ایشرو به شاه جنایتکار اجازه ورود به آمریکا را داده اند و آنها با منظر علوی و کوته اندیش خود به این مسأله فکر نکرده اند که حمایت از شاه بیشتر دخالت آمریکا را در سر میانه های که هر روز بر علیه انقلاب اسلامی ایران جیده می شود به جهات نشان خواهد داد...

خلقهای دردمند جهان سوم که نزدیک یک قرن است در زیر چکمه های امپریالیستها

ساختمان های مصادره شده سرمایه داران فزاری بلا تکلیف افتاده

شهرک غرب و شهرک اکباتان و دیگر ساختمان های مصادره شده سرمایه دارانی که فرای هستند بلا تکلیف افتاده است. در شرایط انقلابی نمی آید بتوان چنین حقوقی را مطرح کرد. اینها باید از اول انقلاب کار ساختمانی شهرک اکباتان را تمام میکردند و در اختیار مستضعفان قرار میدادند و با این کار مقداری از مشکل مسکن حل میشد بود چون جامعه انقلابی ما نمی تواند بنیورد خانواده ای که شهید یا مجروح داده و زجر بکنند، اینها باید از حالت سردگسی بیرون بیایند و در جای اسکان یابند، و جامعه انقلابی ما نمیتواند قبول کند شخصی که فعالیت سیاسی داشت و سالیان دراز زندان بود، اکنون در پارکها بخوابد، کی مسئول اینها است؟ آیا این افراد باید در زندان بخوابند و یا در جای اسکان داده شوند؟

(حجت الاسلام حسن کروبی سرپرست دفتر خانه سازی برای مستضعفین - اطلاعات ۱۴ آبان)

مورخان آموزش و پرورش تاریخ معاصر ایران را جعل کرده اند

در این هنگام (سال ۱۳۳۰) ملت و دولت ایران در ۳ جبهه می جنگند:

۱- جبهه عمال انگلیس در ایران

۲- جبهه دولت انگلیس در ایران و جهان

۳- جبهه کادر رهبری حزب توده یا به قول دکتر مصدق توده انگلیسی، (صفحه ۱۷۰ - چاپ ۱۳۵۸) از این فرمایشات معلوم میشود که اولاً ملت و دولت ایران با دربار و شاه خائن نمی جنگیدند و ثانیاً با «کادر رهبری» حزب توده ایران می جنگیدند! (آقایان ما مؤسسه ها یادشان رفته دم خروس «کادر رهبری» را پنهان کنند)

● در قیام ۳۰ تیر شرکت فعال توده های در قیام علیه قوام حرفی به میان نمی آید، در حالیکه کتاب طاغوت می نویسد، «حزب توده به طر فداان مصدق هوستند و دست به تظاهر و آشوب زدند» (صفحه ۲۱۴ - چاپ ۱۳۵۵).

● در سال ۳۵ ساواک با همکاری عده ای از رهبران حزب توده تأسیس میشود. (صفحه ۱۷۲ -

پایه ازمینه ۴

میدیدند و میخواستند به آسانی ملت حمله امپریالیسم و دربار را به حزب توده ایران در آن پیدا کنند. ساعد عامل سر بریده امپریالیسم انگلیس در اعلامیه خود می نویسد: «کز ارشاهای رسیده حاکی است که اینک سرفصل از انقلاب مردمان ساده و ترویج مرام اشتراکی در بین نوابگان و دانشجویان زمینه انقلاب را در کشور فراهم میسازند»

۶- دم خروس هم پیدا شد!

تا اینجا ما از ۸ صفحه ای که به تاریخ ایران از شهریور ۲۰ تا مرداد ۳۲ اختصاص دارد، فقط ۲ صفحه را بررسی کرده ایم.

اما خواننده اگر حوصله کند به کتکت در شاکل تاریخی «تاریخ نویسان آموزش و پرورش» ادامه بدهد، آرام آرام دم خروس ما مؤسسه ها، این همسگران امپریالیسم را هم پیدا می کند. این موارد را به سرعت مرور می کنیم.

از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

دانشجویان هوادار حزب در شیراز	۲۵۵۰۰ ریال
۱۶ از شیراز	۲۰۰۰۰
۴ از شیراز	۵۰۰۰
شهرزاد از شیراز	۵۰۰ مارک آلمان غربی
۱۵۰ از مردودت فارس	۵۰۰۰ ریال

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

آفرین! راه حل مسائل کشاورزی همین است!

با سرت فراوان اظهارات دیروز «آیتاله آقای دکتر باهنر عضو شورای انقلاب درباره حل مسئله زمین را ملی یک گفتگوی اختصاصی با خبرنگار «اطلاعات» خواندیم. مواعی که دکتر باهنر در مورد از بین رفتن زمینداری بزرگ و حل مسئله بسود دهقانان میزمن و کمزین اعلام داشت، مواعی است که ما با نهایت قدرت و بطور کامل از آن پشتیبانی میکنیم، زیرا خود ما سالهای سال است در این راه مبارزه کرده و میکنیم. اینک واقعا هم با سرت فراوان مشاهده میکنیم که عضو مؤثر شورای انقلاب، درست برعکس آنچه وزیر کشاورزی دولت موقت در دفاع از زمینداران بزرگ و مالکان و در دفاع از «اصلاحات ارضی ملوکانه» و بر ضد منافع دهقانان زحمتکش میگفت و میکرد، موضعی بسود میلیونها دهقان میگیرد و راه تأمین مالکیت فردی و تعاونی و اجتماعی آنها را نشان میدهد. این بسود انقلاب است و به گردآوری میلیونها ایرانی مستضعف برای پیشبرد امر انقلاب کمک مستقیم میکند.

آقای دکتر باهنر در باره قانون «نحوه زمینداری» که آقای آزادی وزیر رفه کشاورزی تهیه کرده بود، میگوید: «ما از همان اول هم نتوانستیم به مجموع طرحهایی که قبلا ارائه میشد، نظر مساعد بدهیم».

دهقانان ایران در رهه جای کشور و کارشناسان مسائل ارضی در سینیار مسائل کشاورزی و روزنامه «مردم» نیز در مقالات متعدد خود، جوانب متعدد منفی و ضد دهقانی و ارتجاعی این قانون را بر ملا ساخته و مخالفت صریح خود را با آن اعلام داشته بودند. شورای انقلاب و آقای دکتر باهنر بدرستی و بسا بر روی یک کار خطا و بسیار خطرناک وزارت کشاورزی خط بطلان میکشند و بالاتر از آن، برنامه روشن و درستی را، که با خواستها و نظریات ما نیز مطابقت دارد، عرضه میدارند.

آقای دکتر باهنر در گفتگوی اختصاصی خود میگوید: «هدف اینست که کسانی که روی زمین کار میکنند، آنها هم صاحب زمین باشند، مالک زمین باشند و در واقع بیشترین سهم به همان کشاورز داده شود و اراضی موات هم در اختیار کسانی قرار خواهد گرفت که بتوانند مستقیما روی آن زمینها کار بکنند و اگر سرمایه‌ی می برای احیاء این زمینها نیاز باشد، آنطور که پیشبینی شده، این سرمایه باید از بوجه عمومی در اختیار کشاورزانی قرار گیرد که خوششان روی زمین کار میکنند».

این هدفی است کاملا درست، مشروع، انسانی، مطابق با منافع میلیونها دهقان زحمتکش و با منافع کشور ما. برای حزب که سر و پشت سال است همین اصل منافع طبقاتی زحمتکشان روستاها و مصالح واقعی و عمیق اقتصادی کشور را در سر لوحه سیاست دهقانی و کشاورزی خود قرار داده، بپذیری است که با سرت بهترین موضع گیری درستی تبیین گوید.

ما همانقدر که روش ضد دهقانی و ضد انقلابی وزارت کشاورزی را ملی شت ماهه اخیر در دوره پس از انقلاب عجیب و غلط میدانستیم و مخالفت خود را با آن ابراز میداشتیم، همانقدر هم اتخاذ این روش جدید علیه زمینداران بزرگ و بسود دهقانان زحمتکش را برای دوره انقلابی کنونی بپذیری و طبیعی و مطابق با ماهیت و خصلت انقلاب میسریم و با آن موافقت خود را ابراز میداریم.

بر اساس حق دهقانان بر زمین، که حامی انقلاب و از صاحبان این کشورند، و بر اساس از بین رفتن زمینداری بزرگ غارتگر، که پایگاه ضد انقلاب است، باید مسائل ارضی کشور حل شود. شورای انقلاب در اعلامیه شماره ۲ خود این نکته عمده گری را اعلام داشته و آقای دکتر باهنر هم دیروز جوانب مختلف آنرا با دقت بیان کرده است.

همه میدانیم که اراضی وسیع و مدرن سرمایه‌داری طی سالهای اخیر ایجاد شده و به قیمت سلب مالکیت از دهقانان و گرفتن منابع خاکی آب و کشاورز و سواستفاده از منابع مالی و اعتباری دولت شتی زمیندار بزرگ، چه از خانواده شاه مخلوع و اعوان و انصارشان وجه از سایر بزرگ مالکان واحدهائی ایجاد کرده‌اند که در سطح نوینی از تکامل فنی کشاورزی است. در این موارد هم باید البته به زودی و غارتگری زمینداران پایان داده شود.

ولی با این واحدا چگونه باید رفتار کرد؟ آیا تقسیم ساده حلال مشکل است و سودی برای دهقانان و بسایر اقتصاد سالم کشاورزی دارد؟ ما بارها گفتیم که موارد متعددی است که باید مسئله را بطور مشخص بررسی کرد و بنا به خصلت تولید و زمین و منطقه و نوع کشت و آبیاری و غیره، بجای یک تقسیم ساده، و سطحی، باید واحد تعاونی و یا دولتی ایجاد کرد. ولی در هر حال صاحب سرنوشت و اداره کننده واحد باید همان دهقانان باشند، که در واقع صاحب فقط زمین، بلکه تأسیسات مختلف نیز هستند و بطریق تعاونی و یا در موارد ویژه بطریق واحدهای متمرکز دولتی با حق اداره و نظارت شورائی، صاحب و حاکم بر سرنوشت واحد و محصول آن هستند.

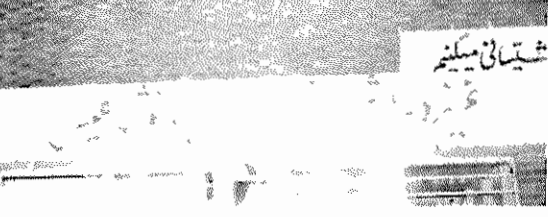
در رهه این موارد اصل، زودن کامل زمینداری بزرگ غارتگر و شیوه بهره‌کشی سرمایه‌داری وابسته در روستاهاست. اصل، منافع حقه و بی‌چون و چرای دهقانان توده‌سست بر زمین و کمزین و برزگران و سایر زحمتکشان ده است.

اکنون نیز آیتاله دکتر باهنر، عضو شورای انقلاب، میگوید: «در مورد زمینداری بزرگ و اراضی وسیعی که در اختیار افراد هست جهت کار شورای (انقلاب) و هدفش اینست که بتواند بتدریج زمین را در اختیار کسانی بگذارد، که روی کار

مراسم یادبود افسران شهید توده‌ای در تبریز

روز پنجشنبه ۱۷ آبان ۱۳۵۸، مراسم یادبود گروه سوم افسران شهید توده‌ای مرکب از رفقا: سرهنگ دوم امیرافشار بکشلو، سرهنگ محمدجلالی، سرهنگ دوم کاظم جمشیدی، ستوان یکم باقر واله، سرگرد جعفر وکیلی در تبریز برگزار شد. از چند روز پیش، آفوش‌های مربوط به مراسم در شهر و در

برقرار باد انقلاب - نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحذلق



بندبادی شرایط زندگی زحمتکشان مهتر ما است ادامه میدهد تا پیروزی. رفیق ابوتراب باقرزاده، با یادآوری سوگند رفیق شهید مختاری، که قبل از تیر باران به دیوارسلول انفرادی زندان قسریا ناخن کشیده بود، «ای حزب من بتوسوگند که افتخار عضویتیم را به وعده پوچ دؤخیم نفروشم. درد ورنج و شکنجه زندان مهر ترا در قلمم افزون کنده، در پایان سخنان خود گفت: «ما هم سوگند می‌خوریم که به راه شهیدان وفادار بمانیم و از هیچ تلاشی برای نیل به آرمانهای انسانی و ملی و توده‌ای خود فروگذار نکنیم و از انقلاب بزرگ و شکوهمندمان تا پیروزی قطعی و نهائی دفاع نماییم و در راه تشکیل جبهه متحد خلق، با پشتیبانی از مشی ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی، با تمام نیرو و کوشا باشیم، تا امپریالیسم و ارتجاع و ضد انقلاب را از بیخ و بن برکنیم».

حضار با شمار «درد» بر کمیته مرکزی حزب «ما» و «زنده باد جبهه متحد خلق» رفیق باقرزاده را بدرقه کردند.

سپس رفیق کارگر، ذوالفقار، شمری بزبان آذربایجانی خواند. آنجا که گفته میشد: «حقیقت اینست که من سر بازی از وطن در حزب توده ایران هشتم، جمعیت را بوجد آورد رفیق ذوالفقار شمری که نیز در تجلیل از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر خواند».

رفیق کارگر، شهرک، نیز چند قطعه شعر بزبان آذربایجانی قرائت کرد.

مراسم یادبود افسران شهید توده‌ای در تبریز با شعارهای زیرین که با شور و هیجان بسیار از جانب حضار داده میشد، پایان یافت:

- امپریالیسم آمریکا، امپریالیسم امریکا، نابود باید کرد
- این شاه امریکائی، در پیش پای ملت، اعدام باید کرد
- امریکا، اسرائیل تنک به تیر نکتان
- خون شهیدان ما، میچکد از چنگتان
- زنده باد جبهه متحد خلق ما
- درد بر کمیته مرکزی حزب ما

همه این نکات بصورت مشخص و منجز در گفتگوی اختصاصی مزبور نیز بیان شده و در واقع برنامه ارضی و دهقانی شورای انقلاب را در توضیح اعلامیه شماره ۲ عرضه میدارد. ما صمیمانه با این اصول درستی و انقلابی که باز تکرار میکنیم در جهت عکس سیاست زیانمند و ضد دهقانی شت ماهه اخیر وزارت کشاورزی بوده موافقت میکنیم. برنامه شورای انقلاب، بنحوی که در بیانات آیتاله دکتر باهنر عرضه شده، برنامه درستی است.

این چنین برنامه‌ای میتواند بسپج گور باشد. میلیونها دهقان که منافع حیاتی و مسلم خود را با آن مطابق می‌بینند به حمایت از آن، به حمایت از انقلاب، برمیخیزند. هزاران کارشناس مهتر دوست و بشردوست و ده‌ها هزار فرد علاقمند به کشاورزی و وارد به اهمیت حیاتی این رشته در امر اقتصاد و سیاست کشور، به حمایت از آن برمیخیزند. جبهه انقلاب با اجرای چنین برنامه‌ای نیرومندتر و شکست‌ناپذیرتر میشود. این برنامه‌ها باید قاطعانه اجرا کرد.

تبلیغات ضد ایرانی امپریالیسم امریکا را خنثی کنیم

بقیه از صفحه ۸
مشی «تورویست» ریخته‌اند و «سفارت» را اشغال کرده‌اند؛ درد در بازار فریاد میزند که «دزد» را بگیرند.
ولی بکوری چشم امپریالیسم امریکا، دیگر بازارها از شفتگی یکی پس از دیگری بدمی‌آیند و دزد واقعی را دیگر همه شناخته‌اند. در ایران ما هنوز پس از ده سال

داشته است یا لانه جاسوسی و دز

یاسر عرفات: پیروزی سوسیالیسم در اتحاد شوروی، پیروزی ملت فلسطین نیز هست

خبرگزاری وفا اطلاع میدهد که، برادر ابوعمار (یاسر عرفات) رئیس کمیته اجرائی سازمان آزادیبخش فلسطین و فرمانده کل نیروهای انقلاب فلسطین بمناسبت شصت و دومین سالگرد انقلاب اکبر پیام تبریکی برای لئونید برژنف رهبر اتحاد شوروی و دبیر کل حزب کمونیست آن کشور ارسال داشت. برادر ابوعمار درین تکریم چنین گفته است:

برای من ماهه افتخار است که بمناسبت انقلاب پیروزمند اکبر شما و ملت شوروی تبریک بگویم و درودهای گرمم را که نشانه دوستی عمیق بین ملت اتحاد شوروی و سوسیالیستی تحت رهبری شما و ملت فلسطین است بشما تقدیم دارم. پیروزی انقلاب اکبر به رهبری ولادیمیر لنین نقطه عطفی در تاریخ جهان است. آن کشور سوسیالیستی که شما آنرا بر اساس خط مشی لنین رهبری میکنید، کشوری است معجزه‌گر، چه این کشور، بود که فاشیسم را درهم شکست و یار ملت‌های ستمدیده گردید و همکاری با جنبش‌های آزادیبخش در جهان را در پیش گرفت. امروز ملت ما با جنگ و آتش روبروست و ما هرگز فراموش نمی‌کنیم که شما نخستین کسی بودید که همبستگی خود را با انقلاب فلسطین اعلام کردید و در برابر نقش‌های امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع که قصد نابود کردن انقلاب فلسطین را داشت، در کنار ما ایستادید. ملت فلسطین در این جنگ تا نابودی صهیونیستها، به سرگردگی امریکا، پیش خواهد رفت زیرا ما اعتقاد داریم که نبرد ما آینده ساز است.

ما هدف جز بازگشت به سر-زمین خود نداریم و همواره کمک و مساعدت برادران سوسیالیست دوست خود را و نیز کمک‌های اتحاد شوروی را مفتنم میشماریم. فرصت را غنیمت می‌شماریم و بمناسبت پیروزی‌هایی که در جهت استحکام نظام سوسیالیسم در کورستان که پیروزی ملت فلسطین و ملت دوست شما نیز هست، بشما تهنیت میکنیم.

شلتاق این دزد، خلقی بهاخته و گریبانش را سخت گرفته است. هیچ تشبیه و تلاشی دیگر اودارها نتواند ساخت. هیچ توطئه‌ای نیز در ایران دیگر بکار نخواهد آمد. خلق انقلابی ما هشیار است، توطئه‌ها را، یکی پس از دیگری خنثی کرده و خواهد کرد. انقلاب ایران پیروز خواهد شد. گانکتر بین المللی باید لانه جاسوسی و دز توطئه خود را در ایران بچیند و آنرا به سفارت تبدیل کند. نخستین کام در این راه استرداد «آریامهر» است.

ولی امپریالیسم یانکی نمی‌خواهد این خواست خلق ما را بر آورده سازد و این حق ایران را بشناسد. او تولا میکند. او میخواهد مسئله‌ای را، که ابد بشورای امنیت سازمان ملل متحد ربطی ندارد در دستور جلسات این شورا قرار دهد. او میخواهد با شکستن قوانین جاری در ایالات متحده امریکا، تظاهرات دانشجویان ایرانی را، که خواستار استرداد شاه مخلوع‌اند، قذف کند. او درصدد است جوانان ایرانی طرفدار انقلاب ایران را در ایالات متحده تحت فشار قرار دهد.

اوردصد «محاصره» اقتصادی ایران است. او تولا میکند، ولی این تولا همت است. او چاره‌ای جز تمویل شاه مخلوع ندارد. گانکتر بین المللی باید «مأموران ایرانی» خود را تمویل دهد.

آمریکا باید شاه مخلوع را به ایران تحویل دهد